

تا آخرین قطره خون

حبه مناسبت سالروز شهادت شهید سید حسین علم‌الهدی و حماسه‌ای که همراه یارانش در هویزه آفرید

شهروند تعداد اسلحه‌ها کمتر از نیروهاست؛ این فحوای بخشی از نامه شهید علم‌الهدی بود به آیت‌الله خامنه‌ای که در آن زمان نماینده مجلس بود. گزارش شهید علم‌الهدی به ایشان در واقع اوج مظلومیت رزمندگان در ماه‌های نخستین تجاوز عراق به خاک ایران را نشان می‌داد. اما حماسه جایی شکل می‌گیرد که شهید علم‌الهدی به همراه همین نیروهای اندک تا آخرین قطره خون مقاومت می‌کند و به شهادت می‌رسد. شهید سید حسین علم‌الهدی متولد سال ۱۳۳۷ در اهواز بود. او از دوران نوجوانی وارد عرصه مبارزه با پهلوی شد. این مبارزات به دستگیری‌های پی‌درپی و شکنجه‌های شدید از سوی عوامل ساواک انجامید. بعد از پیروزی انقلاب اما جانی دوباره در رگ‌های این مبارز نستوه دمیده شد. با آغاز جنگ تحمیلی ابتدا مسئول اعزام نیرو به مناطق عملیاتی بود و پس از مدتی به‌عنوان فرمانده سپاه هویزه منصوب شد. او ۱۶ دی‌ماه سال ۱۳۵۹ در منطقه «هویزه»، در حالی که در محاصره تانک‌های دشمن قرار داشت و یارانش همگی به شهادت رسیده بودند، پس از انهدام چند تانک دشمن، به شهادت رسید. به مناسبت سالگرد شهادت این شهید گران‌قدر، بخش‌هایی از زندگی و فعالیت‌هایش را مرور کرده‌ایم. آنچه در ادامه می‌خوانید مستند است به کتاب «سفر سرخ» زندگی‌نامه داستانی شهید سید حسین علم‌الهدی که به قلم نصرت‌الله محمودزاده به نگارش درآمده است.

اولین دستگیری

عاشورای سال ۱۳۵۳ مصادف بود با یکی از حرکت‌های انقلابی شهید علم‌الهدی. حسین و دوستانش که آن روزها دانش‌آموز بودند، سیاه پوشیدند و راهپیمایی خودجوشی را شروع کردند که منجر به دستگیری‌شان شد. تعداد دانش‌آموزان همراه حسین به حدود ۲۰۰ نفر می‌رسید. آن‌ها در حالی در خیابان‌های اهواز، شروع به راهپیمایی کردند که روی پیراهن خود پارچه‌ای زده بودند و نوشته بودند: «ایّی لا ازی الموت إلاّ سعاده وّالخیاه فع الظالمین إلاّ ترمّاً» این جمله امام حسین (ع) در مسیر کربلا بود که فرمودند: «به‌راستی من مرگ را جز سعادت نمی‌دانم و زندگی در میان مستکران را جز رنج و دلتنگی..» حسین بعد از مدتی راهپیمایی، جمعیت را متوقف کرد و طی سخنانی، آیاتی از قرآن پیرامون جهادفی سبیل‌الله را قرائت کرد. به دنبال این راهپیمایی، فردای آن روز، مأمورین ساواک وارد مدرسه شده و حسین را در کلاس درس دستگیر کردند. حسین در این زمان، نوجوان ۱۶ساله بود.

ریسمان پیچ به درخت

حسین در همان اولین دستگیری، به‌شدت شکنجه شد. از جمله شکنجه‌ها، استفاده از صندلی الکتریکی، ضرب و شتم شدید با کابل برق و آویزان کردن پاها از سقف بود. بعد هم او را به زندان منتقل کردند. حسین درمدت ایام زندان هم از تبلیغ باورهای خود دست نمی‌کشید. مأموران زندان به ساواک گزارش دادند که حسین، نوجوانان بزهکار زندان را نمازخوان کرده است. بعد از این گزارش، یکی از مأموران ساواک وارد زندان شد و حسین را زیر مشت و لگد قرار داد و بعد او را از بند بیرون برد و به

سومین عملیات ارتش

حسین علایی در کتاب «تاریخ تحلیلی جنگ ایران و عراق» (جلد اول) که توسط مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس چاپ شده، درباره عملیات سوم ارتش (در ابتدای جنگ) که به اسم «نصر» معروف شد، تحلیل قابل تأملی دارد. او در این کتاب اشاره می‌کند که عملیات «نصر» یا «کرخه کور» توسط تیمسار فلاحی طرح‌ریزی شد؛ با به‌کارگیری دو تیپ از لشکر زرهی قزوین به همراه استعدادی در حدود ۳ گردان سبک رزمی از نیروهای سپاه خوزستان. این عملیات در روز ۱۵ دی‌ماه ۱۳۵۹، مصادف با ۲۸ صفر، سالروز رحلت پیامبر گرامی اسلام (ص) وشهادت امام حسن مجتبی(ع) اجراشد.

به یک جایی حمله کنید!

آن روزها، روزهای آغازین تجاوز عراق به خاک ایران بود و حاکمیت انقلابی هنوز به بسیاری مسائل مسلط نشده بود. به عنوان مثال ۳ ماه از تجاوز رژیم بعث به ایران گذشته بود و هنوز ارتش (نیروی زمینی)، واکنش خاصی نشان نداده بود. به همین دلیل اوایل دی‌ماه بنی‌صدر به جبهه جنوب آمد و به رئیس ستاد مشترک و فرمانده نیروی زمینی ارتش گفت: «فوراً یک جایی حمله کنید! همین روزهاست که در شهر راهپیمایی شود که ارتش چرا خوابیده است؟ یک هفته به شما فرصت می‌دهم تا در یک جایی به مواضع ارتش عراق



که جنگ را باید فقط ارتشی‌ها و آن هم با روش کلاسیک، پیش ببرند. به همین جهت دستور داده بود که حتی يك عدد فشنگ به نیروهای مردمی داده نشود. در همین ایام، حسین فرماندهی سپاه هویزه را بر عهده داشت. او شخصاً چند بار نامه از مسئولین می‌گرفت، اما بدون اجازه بنی‌صدر، نمی‌توانست هیچ اسلحه‌ای تهیه کند و با همین کمبودها، اما با روحیه فوق‌العاده عالی، در سپاه هویزه یعنی در قلب دشمن ایستاده بود. در آن زمان، عراق تا نزدیک اهواز پیشروی کرده بود اما هنوز شهر هویزه را که ۶۰ کیلومتر قبل از اهواز است اشغال نکرده بود. چند روز قبل از عملیات، حسین در نامه‌ای خطاب به حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نوشت: «اینجانب سید حسین علم‌الهدی به همراه ۶۲ نفر پاسداری که ۲۱ نفرشان بدون سلاح است، تا آخرین قطره خون، مقاومت خواهیم کرد. اسلحه ما ۴۰ عدد کلاش و دو عدد آرپی جی است که یکی از آن‌ها خراب است…»

عملیات ۱۴دی

۱۴ دی ۱۳۵۹ اولین عملیات ایران که با هماهنگی بین ارتش و بسیج طراحی شده بود، انجام شد. هدف از عملیات، آزادسازی پادگان حمید و سپس رفتن به سوی خرمشهر بود. روز اول عملیات به‌خوبی انجام شد و برای اولین بار، حدود هزار اسیر از عراق گرفته شد. روز ۱۵ دی نیز رزمندگان به پیش رفتند و قرار بود يك دسته دیگر از رزمندگان از طرف جاده خرمشهر عملیات کنند و دو گروه عملیاتی، ارتش عراق را دور بزنند. لکن گروهی که از جاده خرمشهر عملیات کردند، نتوانستند به مواضع خود دست یابند. ارتش عراق هم که در آن ایام بسیار مجهز و آماده بود، با شکست در منطقه عملیاتی هویزه، همه نیروهایش را به منطقه روانه کرد و پس از چند ساعت، رزمندگان ایران را در محاصره گرفت. این محاصره همراه صدها تانک صورت می‌گرفت؛ آن هم در مقابل جبهه‌هایی که حتی اسلحه و آذوقه کافی نداشتند. اینجا بود که حماسه ۱۶ دی‌ماه، برگی دیگر از تاریخ پرافتخار تشیع سرخ را رقم زد.

عبور تانک‌ها از پیکر شهدا

پس از شهادت مظلومانه حسین و همراهانش درحماسه هویزه، ارتش عراق منطقه عملیات ونیز شهر هویزه را تصرف نمود و با تانک از روي اجساد مطهر شهدا عبور کرد وشهر هویزه را هم با خاك یکسان کرد. در سال ۱۳۶۱ جنازه مطهر سید حسین پیدا شد؛ به‌وسیله قرآن داخل جیب و آرپی‌چی‌اش که در کنار سجدش افتاده بود. تشییع جنازه شهید علم‌الهدی یکی از تشییع‌های باشکوه در اهواز بود.

فیلمی که شهید آوینی ساخت

سید مرتضی آوینی، شهید اهل قلم، علاقه فراوانی به شهید سید حسین علم‌الهدی داشت. آخرین فیلم «روایت فتح» که توسط شهید آوینی تهیه و تنظیم شد، فیلمی بود که از حسین سخن می‌گفت. جالب این که ایشان در هیچ کدام از فیلم‌ها در صحنه دوربین دیده نمی‌شد اما در این فیلم چهره‌اش در صحنه فیلم دیده می‌شود.

خامنه‌ای، دکتر چمران و دیگر فرماندهان برگزمرای شد، از موقعیت جبهه‌هاکسب اطلاع می‌کرد و متناسب با نیاز هر منطقه، نیروهای داوطلب را به جبهه‌های مختلف راهنمایی می‌کرد. هر گروهی که وارد می‌شدند چند ساعت استراحت می‌کردند، سپس اسلحه و آذوقه بین آن‌ها تقسیم می‌شد. حسین به آن‌هاخبرمقدم می‌گفت وجبهه‌نیازمندب‌ه‌نیرو را به ایشان معرفی می‌کرد. پس از آن بود که به فرماندهی سپاه هویزه منصوب شد.

عملیات ایدائی

در مدتی که سید حسین فرمانده سپاه هویزه بود، غالب شب‌ها رزمندگان همراهش به عملیات ایدائی علیه عراق دست می‌زدند. برای این عملیات‌ها هر کدام از همراهان يك مین ضد تانک و يك اسلحه و چند خشاب و مقداری آذوقه با خود حمل می‌کردند. تقریباً هر نفر ۲۵ تا ۳۰ کیلو باید حمل می‌کردند. مقداری از مسافت را با وانت می‌رفتند و بعد باید با پای پیاده تا پشت خطوط دشمن حرکت می‌کردند. بعضی شب‌ها ۴۰ تا ۵۰ کیلومتر راه می‌رفتند و چندین مین کار می‌گذاشتند و بر می‌گشتند. در تمام مدت که شبیخون انجام می‌دادند، هیچ‌کس حتی مجروح هم نشد.

نامه شهید علم‌الهدی به آیت‌الله خامنه‌ای

در ماه‌های ابتدای جنگ، بنی‌صدر، رئیس جمهور و فرمانده کل قوا بود. او معتقد بود

نمایشگاه پیش‌بینی جنگ

در آغاز تشکیل سپاه پاسداران خوزستان، حسین عضو شورای فرماندهی استان بود و اخباری از تحركات عراق نیز به گوش می‌رسید. حسین مسئله را پیگیری نمود و در تلاش بود که این اخبار را به مسئولین برساند. او برای آنکه تحركات مشکوک عراق به‌صورت يك خبر مهم جلوه کند، دست به ابتکاری جدید زد. یکی از سالن‌های مرکزی اهواز را برای برگزاری نمایشگاه در نظر گرفت و اجناس و سلاح‌هایی را که عراق در اختیار مرزنشینان قرار داده، به نمایش گذاشت. حسین از همه خبرنگاران دعوت کرد تا به تهیه گزارش از نمایشگاه بپردازند و خود توضیحات کامل را ارائه داد. توضیحات اوزمانی به اثبات رسید که ناگهان ارتش عراق به خاک ایران حمله‌ور شد و هزاران کیلومتر از کشور را بدون هیچ درگیری اشغال کرد.

اعزام نیرو به جبهه‌ها

چند روز پس از شروع جنگ تحمیلی، نیروهای داوطلب از سراسر کشور به اهواز آمدند. اما داوطلبان نمی‌دانستند به کدام جبهه بروند. حسین در دبیرستان پروین اعتماسی اهواز مستقر شد و به پلیس راه اعلام کرد: «هر نیروی داوطلبی را که به اهواز وارد شد، به دبیرستان هدایت کنید.» حسین در جلساتی که در محضر حضرت آیت‌الله

شهید هویزه

عملیات ناکام نصر چطور به حماسه ختم شد؟



تصرف پادگان حمید، ایستگاه حسینیه و در نهایت آزادی خرمشهر در نظر گرفته شده بود. در صورت موفقیت قرار بود پیشروی‌ها تا روستای تنومه در خاک عراق هم ادامه یابد. طبق دستور سرتیپ قاسمعلی ظهیر نژاد، فرمانده نیروی زمینی، نیروها پس از تصرف پادگان حمید، باید حمله را به سمت مرز ادامه داده و نبرد را به داخل خاک دشمن می‌کشاندند. با آغاز عملیات در ساعت ۱۰ صبح

شهادت

حمله کنید!« همین جملات حاکی از هیجان و به‌دوراز استدلال و خردو صرف‌اتبلیغاتی نشان می‌دهد که نگاه بنی صدر به مسائل دفاعی چقدر ابتدایی وخام بود.
حمله کنید!« همین جملات حاکی از هیجان و به‌دوراز استدلال و خردو صرف‌اتبلیغاتی نشان می‌دهد که نگاه بنی صدر به مسائل دفاعی چقدر ابتدایی وخام بود.

نقشه‌عملیات

در هر حال، بنا به دستور بنی‌صدر، عملیات نصر در منطقه هویزه در جنوب غربی شهر سوسنگرد شکل گرفت. در طرح این عملیات،

۱۵ دی‌ماه، لشکر ۱۶ به فرماندهی سرهنگ سیروس لطفی‌بادوتیپ به مواضع ارتش عراق حمله کرد. تیپ بعدی، قرار بود از کارون عبور کرده و به آن‌دوتیپ پیبوند. همراه این نیروها تعداد ۱۵۰نفر از نیروهای سپاه هم به فرماندهی جعفر اسدی در محور فارسیات در اختیار قرار داشتند.

ضد حمله‌های سنگین عراق

ارتش عراق اما همان روز، به تیپی که قرار بود از کارون عبور کند، حمله کرد اما با مقابله ارتش، با شکست مواجه شد. به این ترتیب تا ساعت ۴ بعدازظهر، حدود ۸۰۰ نظامی دشمن اسیر شدند و به کارخانه چوب اهواز انتقال یافتند. در واقع مرحله اول عملیات با موفقیت انجام شد و همه فرماندهان ومسئولین کشور خوشحال شدند و فکر آینده عملیات را نکردند. بنی صدر هم چنان خوشحال شده بود که فوراً نامه‌ای نوشت و نوید پیروزی داد؛ درحالی‌که فکر ضد حمله‌های سنگین عراق را نکرده بود.

تانک‌های پیشرفته ترعراقی

عراقی‌ها تانک‌های تی ۷۲ را در اختیار داشتند که از نظر سرعت گلوله گذاری و نواخت تیر، نسبت به تانک‌های ایرانی برتری داشت. ضمن اینکه تانک‌های عراقی، پشتیبانی نیروی هوایی ارتش عراق را هم داشتند. از آن‌سو نیروهای سپاه و بسیج هم در قالب سه

